

آمونوس هرمياس وتأثير تاريخي اندیشه وی

مریم سالم*

چکیده

فیلسوفان نوافلاطونی علاوه بر آنکه به نظام فلسفی و الهیاتی افلاطون علاقمند بودند و آثار او را شرح میکردند، ارسطو را نیز مدنظر داشته و فلسفه و الهیات او را در کنار منطق و اخلاق مورد بررسی قرار میدادند. این امر سبب شد سنتی در میان برخی از آنها در جهت هماهنگی و تطبیق آراء ارسطو بر افلاطون و نشان دادن عدم وجود ناسازگاری درونی و بیرونی در این دو فیلسوف شکل گیرد. یکی از افراد شاخص در این حوزه، آمونیوس فرزند هرمیاس بود که با وجود ناشناخته بودن، توانست تأثیر فراوانی در مکاتب فلسفی بعد از خود بگذارد. این تأثیر ابتدا در بین فلاسفه اسلامی بخصوص فارابی و پس از آن در بین الهیدانان مسیحی کاملاً مشهود است. در نوشتار حاضر تلاش میشود تا این شخصیت و برخی آراء او باجمال معرفی گردد.

کلیدواژه‌ها: آمونیوس هرمیاس، شرح ارسطو، سنت نوافلاطونی، اسکندریه

* * *

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید بهشتی؛ mimsalem@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۶ تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۲۷



طرح مسئله

در منابع کهن تاریخی به زبان عربی از شخصی بنام آمونیوس^۱ یا امینیوس نامبرده شده که مفسر ارسطو و استاد یحیی نحوی^۲ و شاگرد برقلس (پروکلوس)^۳ بوده است.^(۱) در برخی تحقیقات اندیشمندان معاصر در حوزه فلسفه نوافلاطونی، این موضوع مطرح شده است که فارابی و ابن سینا از فلاسفه نوافلاطونی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بسیار تأثیر پذیرفته‌اند^(۲) و میان آنها برخی دغدغه‌ها و مسائل مشترک وجود داشته است. با توجه به آنکه مسیحیان در اسکندریه^۴ بسیار تحت تأثیر آراء این دست از نوافلاطونیان بوده‌اند و از قرن هفتم به بعد مسیحیان بوده‌اند که در امر ترجمه آثار به زبان عربی دست داشته‌اند، این فرضیه تا حدود زیادی قوت میگیرد که فلاسفه اسلامی - بخصوص کندی و فارابی - بسیار متأثر از مکتب نوافلاطونی اسکندریه قرن پنجم و ششم بوده‌اند. اهمیت دادن به ارسطو در کنار افلاطون، هماهنگ‌سازی افکار این دو فیلسوف با هم و تلاش در رفع تعارض عقلانیت فلسفی با آنچه متألهان از فلاسفه میگویند از جمله مسائلی بوده است که در مدارس اسکندریه قرن پنجم و ششم مطرح بوده است. اما جای تعجب دارد که نام آمونیوس در هیچیک از آثار فیلسوفان اسلامی مطرح نشده است. با این حال برخی از آثاری که به فارابی نسبت داده میشود، مشابه آثاری است که آمونیوس آنها را نوشته است؛ مانند *ما ینبغی أن یتعلم قبل تعلم الفلسفة ارسطو*^(۳) و یا کتاب شرح العبارة ارسطو. حتی کتاب *الجمع بین رأیی الحکیمین (افلاطون و أرسطاطاليس)* هم بنظر میرسد از خود فارابی نبوده و اگر هم بوده مشابه کاری است که توسط آمونیوس و شاگردانش در اسکندریه تدریس و نگاشته شده است. تحقیق در صحت انتساب آثار فارابی به او بسیار الزامی است و در جهت تعیین اصالت فلسفه اسلامی و هویت آن بسیار تأثیرگذار است.

1. Ἀμμώνιος (Ammonius)
2. Ἰωάννης ὁ Φιλόπονος (John Philoponus)
3. Πρόκλος (Proclus)
4. Ἀλεξάνδρεια (Alexandria)



در منابع تاریخی غربی نیز نام آمونیوس کمتر بچشم میخورد و تنها بعد از تحقیقات جدید در قرن بیستم بر روی شارحان ارسطو اهمیت وی جلوه‌گر شد و درباره او و مکتبش که بسیار مهم و تأثیرگذار بود تحقیقات جدی صورت گرفت. امید است این نوشتار در حکم دریچه‌یی برای اقبال محققین فلسفه اسلامی به آثار این اندیشمند بزرگ و ترجمه و تحقیق پیرامون آثار و افکار او در جهت تعیین میزان اثرپذیری فیلسوفان مسلمان از وی باشد.

زندگینامه

هرمیاس^۱ (حدود ۴۱۰ - ۴۵۰ م.)، پدر آمونیوس، بعد از آنکه زیر نظر سیریانوس^۲ - شاگرد پلوتارخوس^۳ و رئیس مدرسه آتن از ۴۳۱/۲ م. درس خواند، به زادگاهش، اسکندریه بازگشت و در مدرسه هوراپللو^۴ (۴)، نزدیک اسکندریه به تدریس فلسفه افلاطون و ارسطو پرداخت. در این مدرسه تنها فنون خطابه تدریس میشد و هرمیاس فلسفه یونانی را بعنوان یک موضوع فرعی در این مدرسه پایگذاری کرد.^(۵)

مادر آمونیوس، آیدسیا^۵، از بستگان سیریانوس که خودش نیز فیلسوف بود، قصد داشت با پروکلوس، - شاگرد سیریانوس و جانشین او در سال ۴۳۷ م. - ازدواج کند، ولی پروکلوس بنابر هشداری الهی از این ازدواج صرفنظر کرد. بر این اساس باید آمونیوس، فرزند دوم هرمیاس و آیدسیا، بعد از ۴۳۵ م. و احتمالاً قبل از ۴۴۵ م. متولد شده باشد و احتمالاً وقتی داماسکیوس^۶ در حال نگارش کتاب تاریخ فلسفه‌اش^(۶) در ۵۲۶ م. بود در گذشته؛ باشد، البته گفتنی است که در سال ۵۱۷ م. وقتی که درسگفتارهایش در باب فیزیک ارسطو برای اولین بار توسط فیلوپونس چاپ شد، زنده بود.^(۷)

کتاب تاریخ فلسفه داماسکیوس قدیمترین منبع در یافتن جزئیات بسیار درباره زندگی آمونیوس است. داماسکیوس در این کتاب آیدسیا را بخاطر پارسایی و

۹۱

1. Ἑρμείας (Hermias)
2. Συριανός (Syrianus)
3. Πλούταρχος (Plutarch)
4. Ὡραπόλλων (Horapollon)
5. Αἰδεσία (Aedesia)
6. Δαμάσκιος (Damascius)



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

نیکوکاریش بسیار تحسین و تمجید کرده است. اگرچه بعد از مرگ هرمیاس مبلغ قابل توجهی بابت حقوق شهروندی به آیدسیا داده میشد، ولی به نقل از داماسکیوس بخشش و مهربانی آیدسیا سبب شد او و دو پسرش در فقر به سر ببرند و هنگام مرگ آیدسیا (حدود ۴۷۵ م) مقروض باشند.^(۸)

هرمیاس و آیدسیا سه پسر داشتند؛ اولین فرزند آنها در کودکی (هفت سالگی) از دنیا رفت و توصیف داماسکیوس از او نسبتاً قدیسه‌گونه و تکریمانه است.^(۹) آمونیوس فرزند دوم خانواده بود و فرزند سوم هلیودوروس^۱ نام داشت.

بعد از مرگ زود هنگام هرمیاس (احتمالاً در ۴۵۰ م) آیدسیا همراه دو پسرش، آمونیوس و هلیودوروس، به آتن رفت و به سفارش او هر دو توسط پروکلوس تعلیم دیدند. احتمالاً آنها قبل از ۴۷۵ م به اسکندریه بازگشتند و آمونیوس، پست پدرش را در مدرسه هوراپولو که بیان درسگفتاری فلسفی در صبحهای جمعه بود، برعهده گرفت. طبق گزارشهای شاگردان وی، اگرچه آمونیوس سخنرانیهای متعددی در باب آثار مختلف افلاطون داشت، ولی سخنرانیهای او درباره ارسطو بود که اکثراً باقی ماند و وی را مشهور کرد. آمونیوس تا پایان عمرش، بین ۵۱۷ تا ۵۲۶ م با موفقیت در این مدرسه تدریس نمود و شاگردان بسیاری را در حوزه فلسفه نوافلاطونی، تربیت نمود. بگفته داماسکیوس مهارت او در شرح آثار بزرگان فلسفه، سبب برجستگی و شاخص شدن او در میان شارحان شد. وی علاوه بر فلسفه در هندسه و نجوم نیز تخصص کافی داشت.^(۱۰)

در زمان آمونیوس، اسکندریه، برخلاف آتن، مرکز مهم تفکر و فرهنگ مسیحی بود. مدرسه‌یی که توسط هوراپولو تأسیس شده بود و بعد از هرمیاس دو موضوع مطالعاتی خطابه و فلسفه در آن تدریس میشد، مرکز آموزه‌های غیر مسیحی و کفرآمیز یونانی بود.

فضای حاکم در درسهای آمونیوس بوضوح در کتاب *آمونیوس* به تصویر کشیده شده است؛ این کتاب توسط زکریای غزه‌ای^۲ (زکریای سخنور)^۳، اسقف شهر

1. Ηλιόδωρος (Heliodorus)

2. Ζαχαρίας τῆς Γάζα (Zacharias of Gaza)

3. ὁ Ζαχαρίας Σχολαστικός , ἢ Ζαχαρίας ὁ Ρήτωρ (Zachary the Rhetor)

میتیلنه^۱ که بین ۴۸۵ و ۴۸۷ م. با آمونیوس در اسکندریه ملاقات داشته، نوشته شده است.^(۱۱) در این کتاب مناظره بین آمونیوس و یک مسیحی که احتمالاً خود زکریا بوده و در کلاس درس آمونیوس رخ داده بشکل دیالوگهای افلاطون، به تصویر کشیده شده است.^(۱۲) طبق بیان زکریا، فضای کلاس درس آمونیوس نزاعی بین مشرکان سرسپرده (فلاسفه یونانی) و مسیحیان بوده است. البته مناظره زکریا با اتهامات شدیدالحنی به فلاسفه و از جمله آنها آمونیوس همراه بوده است. از نظر او مشرکان کندذهن، نادان و شرور هستند.^(۱۳) تصویر زکریا از کلاس درس آمونیوس و اهانت آشکار او به فیلسوفان و رویدادهای تلخی که از سوی مسیحیان - اکثر قریب به اتفاق مردم اسکندریه - برای فیلسوفان در این دوره از تاریخ روی داد^(۱۴) این سؤال را برمی‌انگیزاند که چگونه مدرسه آمونیوس و کلاس درس او بعنوان مرکز آموزش و ترویج آموزه‌های کفرآمیز پابرجا ماند؟

دوره تصدی آمونیوس در مدرسه، مقارن با شورش ایلاس^(۱۵) (۴۸۴-۴۸۸ م.)، با حملات زیادی به اجتماع غیردینداران در اسکندریه مواجه شد؛ دوره‌یی که از سوی پاپ پیتر سوم الکن^۲ (۴۸۲-۴۸۹ م.) مقررات تند و نامالایمی علیه بی‌دینان وضع شد. برخی معتقدند که آمونیوس با تغییر کیش خود و روی آوردن به مسیحیت توانست بطور آزادانه تدریس کند و مدرسه خود را از گزند مسیحیان در امان نگاه دارد.^(۱۶) بعضی نیز معتقدند آمونیوس با عقد توافق‌نامه‌یی با سران مسیحی شهر بخصوص آتاناسیوس دوم^۳ و انجام معامله‌یی که محتوای آن نامعلوم است، توانست هم از دریافت حقوق شهروندی بهره‌مند شود و هم مدرسه و کلاس درسش را حفظ نماید. داماسکیوس تنها کسی است که در کتاب زندگی ایزیدوره^(۱۷) ضمن طمّاع و حریص خواندن شخصیت آمونیوس از این معامله سخن میگوید.^(۱۸) در کتاب درباره نفس که توسط فیلوپونس ویرایش شده، آمده است که نفس میتواند مجبور شود تا نظریه بی‌دینی حاکمان ستمگر را اظهار کند، ولی نمیتواند مجبور شود آن را بپذیرد یا به آن اعتقاد داشته باشد. این جمله که احتمالاً متعلق به آمونیوس است، میتواند شاهدی باشد برای اثبات این مطلب که او مجبور شد برفع مسیحیت حرفی بزند،

۹۳

1. Μυτιλήνη (Mytilene)
2. Patriarch Peter III Mongus
3. Athanasius II



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

اگرچه به آن اعتقادی نداشت.^(۱۹) اما دلیل قانع‌کننده‌ی مبنی بر تغییر دین و یا هرگونه تغییری در تدریس او وجود ندارد. کتاب زکریا کاملاً گواه بر این است که آمونیوس بعنوان نماینده عقاید کفرآمیز یونانی در مقابل آماج اعتقادات مسیحی قرار گرفته و متهم میشود. ضمن آنکه تدریس فلسفه افلاطون و ارسطو در مدرسه اسکندریه و حتی محافل مسیحی، توسط شاگردان مسیحی و غیرمسیحی آمونیوس، تا ۵۲۵ م، یعنی حتی بعد از مرگ آمونیوس، ادامه داشته است؛ بنابراین اگر معامله و توافقی بوده است، بر سر ادامه کار مدرسه و تدریس فلسفه یونانی نبوده است.^(۲۰)

بنظر میرسد علت سخنان کینه‌توزانه داماسکیوس، سرپیچی آمونیوس از برخی اعتقادات آمیخته با سحر و جادوی یامبلیخوس^۱ و پروکلوس و در عوض روی آوردن به روش فورفوریوس^۲ باشد؛ مثلاً در مورد اسماء الهی آمونیوس به تبعیت از دیدگاه فورفوریوس معتقد است نامها توسط انسانها وضع میشوند^(۲۱) و سحر و جادو و اهمیت دادن به کارکرد روحانی اسماء مقدس، نقشی در تصفیه عقل و هدایت ما بسوی خدا ندارد.^(۲۲) البته اهمیت دادن به سحر و جادو در بین شاگردان آمونیوس وجود داشت؛ چنانکه الیمپیودوروس^۳ سحر و جادو و ارتباط با قوای مافوق طبیعی را در عالترین سطح تقوا قرار میدهد: «فلسفه میتواند عقل را برای ما ایجاد کند، در حالی که سحر و جادو میتواند باعث اتحاد ما با معقولات شود، ازاینرو ما براساس قواعد زبانی عمل میکنیم».^(۲۳)

برخی اعتقادات آمونیوس نیز توانسته بود با دوری از دیدگاه رایج نوافلاطونی، به دیدگاه مورد قبول مسیحیت نزدیک شود؛ همانند اعتقاد او به علت فاعلی بودن خدا و یکی کردن عقل و خدای خالق (یکی کردن واحد و احد نوافلاطونی).^(۲۴)

آثار

یکی از آثاری که بطورقطع به همان شکلی که آمونیوس نوشته است، باقی مانده شرح^۴ او بر کتاب درباره عبارت^۵ ارسطوست.^(۲۵) این شرح بسیار مهم است و

1. Τάμβλιχος (Iamblichus)
2. Πορφύριος (Porphyry)
3. Ὀλύμπιόδωρος ὁ Νεώτερος (Olympiodorus the Younger)
4. ὑπόμνημα (Hypomnema: memory aid)
5. Περὶ Ἑρμηνείας (De Interpretatione)



توانست بر تفکر قرون وسطایی اسلامی و مسیحی بسیار تأثیرگذار باشد.^(۲۶) بوئتیوس نیز شرح مشابهی دارد که دیدگاههایش بسیار موافق با دیدگاههای آمونیوس است و توانست بر فلاسفه لاتینی زبان قرون وسطی تأثیرگذار باشد.^(۲۷) از نظر الیاس، شاگرد مسیحی آمونیوس، این کتاب بدلیل ابهاماتی که داشت جزء آثار یادداشتی متحدالشکل ارسطو محسوب میشد تا اینکه شرح آمونیوس بر این کتاب سبب شد که آن از جمله آثار منتشر شده ارسطو محسوب گردد.^(۲۸) این شرح مبتنی بر آراء پروکولوس^(۲۹) و فورفورئوس^(۳۰) است.^(۳۱)

شرح او بر دیباچه فورفورئوس (در ایساغوجی) در نسخ خطی بطور گوناگون با عنوان «تفاسیر آمونیوس فیلسوف بر پنج حکمت»^۱ توصیف شده است. احتمال دارد آمونیوس کار دیگری را بصورت شکل نهایی این کار ارائه داده باشد. ولی دیباچه ارائه شده در این کتاب نامعتبر بنظر میرسد و سایر مطالب نیز تفسیر هستند.^(۳۲)

آثار دیگر آمونیوس که از وی باقی مانده بطور مستقیم یا غیرمستقیم از سخنرانیهای وی در مدرسه دربارهٔ متنی خاص^۲ اخذ شده است و توسط دانشجویانش جمع‌آوری شده و از اینرو اکثراً بعنوان «برگرفته از صدای (یا سخنرانی) آمونیوس» توصیف شده‌اند. دو مورد از اینها به نام خود آمونیوس منتشر شده‌اند، ولی بنظر میرسد از نوشته‌های شاگردان بی‌نام از سخنرانیهای آمونیوس باشند:

- دربارهٔ مقولات^۳ ارسطو، توضیحی دربارهٔ مقولات دهگانه، از صدای آمونیوس فیلسوف.^{۵ (۳۳)}

- دربارهٔ کتاب اول تحلیلات ارسطو^۶، نوشته‌هایی در مورد کتاب اول از تحلیلهای اولی از صدای آمونیوس.^(۳۴)

دو کتاب که نام آسکلپیوس^۷ را به همراه دارند:

1. Ammonius the Philosopher's Exegesis (or Prolegomena or Commentary) of the Five Sayings
2. σχολία (school explanation of a text)
3. Απο Φωνής (of the voice of)
4. Κατηγορία (Categories)
5. the Voice of Ammonius the Philosopher
6. On Aristotle's Prior Analytics I (Αναλυτικά Πρότερα)
7. Ασκληπιός (Aesclepius)



- درباره متافیزیک^۱ ارسطو ۱-۷، عنوان کتاب اول این شرح این عبارت است: «نوشته‌هایی راجع به کتاب اول مهمتر متافیزیک ارسطو از اسکلیپوس از صدای آمونیوس».^{۲ (۳۵)}

- درباره دیباچه نیکوماخوس به علم حساب^۳: «نوشته‌های اسکلیپوس، فیلسوف ترالس، در باب کتاب اول دیباچه آریتمتیکی از نیکوماخوس».^{۴ (۳۶)}

چهار کتاب که به نام جان (یوحنا) فیلوپونس منتشر شده‌اند:

- درباره تحلیلات اولی ارسطو^۵: «حاشیه‌های یوحنا یوحنا نحوی از مدرسه اسکندریه، بر کتاب اول از تحلیلات اولی برگرفته از سمینارهای آمونیوس پسر هرمیاس».^{۶ (۳۷)}

- درباره تحلیلات ثانی ارسطو^۷: «حاشیه‌های یوحنا از مدرسه اسکندریه، برگرفته از سمینارهای آمونیوس پسر هرمیاس همراه با برخی ملاحظات خود او بر کتاب اول از تحلیلات ثانی کتابی که به یوحنا نحوی منسوب شده با عنوان شرح کتاب دوم احتمالاً جعلی است».^{۸ (۳۸)}

- در درباره کون و فساد ارسطو^۹: «حاشیه‌های یوحنا نحوی از مدرسه اسکندریه، برگرفته از سمینارهای آمونیوس پسر هرمیاس همراه با برخی ملاحظات خود او بر کتاب اول درباره کون و فساد ارسطو».^{۱۰ (۳۹)}

1. On Aristotle's *Metaphysics* (τὰ μετὰ τὰ φυσικά)
2. Notes on the greater first book of the *Metaphysics* of Aristotle coming from Aseclepius from the Voice of Ammonius
3. On Nicomachus' Introduction to Arithmetic (Ἀριθμητικὴ εἰσαγωγή)
4. Asclepius the Philosopher of Tralles' Notes on the first book of the Arithmetical Introduction of Nicomachus
5. On Aristotle's Prior Analytics
6. John the Grammarian of Alexandria's school annotations (skholikai aposemeioseis) on the first book of the Prior Analytics from the seminars of Ammonius son of Hermeias
7. On Aristotle's Posterior Analytics (Ἀναλυτικὰ ὕστερα)
8. John of Alexandria's school annotations from the seminars of Ammonius son of Hermeias with some of his own observations (epistaseis) on the first book of the Posterior Analytics
9. On Aristotle's *On Generation and Corruption* (Περὶ γενέσεως καὶ φθορᾶς)
10. John the Grammarian of Alexandria's school annotations from the seminars of Ammonius son of Hermeias with some of his own observations on the first of the books *On Generation and Corruption* of Aristotle

- در درباره نفس ارسطو^۱: «حاشیه‌های یوحنا از مدرسه اسکندریه، برگرفته از سمینارهای آمونیوس پسر هرمیاس همراه با برخی ملاحظات خود او بر درباره نفس ارسطو».^{۲ (۴۰)}

در عنوان سه مورد از موضوعات ارسطویی فیلوپونس اسم آمونیوس ذکر نشده است؛ احتمالاً این آثار اینگونه تصور میشد که ارائه هستند تا سخنرانیهای فیلوپونس از آموزه‌های آمونیوس. این آثار عبارتند از:

- درباره مقولات ارسطو؛^{۳ (۴۱)} ولی احتمالاً این اثر مبتنی بوده بر نوشته‌هایی که با نام خود آمونیوس منتشر شد.

- درباره فیزیک ارسطو؛^{۴ (۴۲)} این اثر تاریخ ۱۰ می ۵۱۷ م را نشان میدهد - زمانی که آمونیوس هنوز زنده بوده است - البته نشانه‌های مبنی بر تجدیدنظرهای بعدی، وجود دارد. - درباره هواشناسی ارسطو.^{۵ (۴۳)}

برخی آثار هم هستند که در میان صحبت‌های سایرین به آمونیوس نسبت داده شده است و تک پژوهشهایی هستند درباره موضوعات خاص که موجود نیست؛ مانند درباره فائو که در آن از افلاطون در برابر اتهام شکاکیت به او، دفاع کرده است و آلیمپیودوروس از آن یاد میکند و یا درباره این حقیقت که خدا نزد ارسطو فقط علت غایی نیست، بلکه علت فاعلی همه جهان است به نقل از سیمپلیکیوس.^{۶ (۴۴)}

آمونیوس در نقش شارح ارسطو

آمونیوس سنت شرح بر ارسطو را در اسکندریه بنا نهاد؛ سنتی که بعد از او توسط دانشجویانش آسکلپیوس، فیلوپونس، سیمپلیکیوس^(۴۵) و آلیمپیودوروس ادامه

1. On Aristotle's *On the Soul* (Περὶ Ψυχῆς)
2. John of Alexandria's school annotations from the seminars of Ammonius son of Hermeias with some of his own observations on Aristotle's *On the Soul*
3. On Aristotle's *Physics* (Φυσικὴ ἀκρόασις)
4. John Philoponus on the first book of Aristotle's lecture on *Physics*
5. On Aristotle's *Meteorology* (Μετεωρολογικά)
6. Σιμπλικίος (Simplicius)



یافت. این سنت در میان شارحان مسیحی، الیاس^۱ (احتمالاً شاگرد الیمپیودورس)، داوود^۲، کشیش الیاس^۳ و استفانوس^۴ ادامه پیدا کرد. آمونیوس در سخنرانیهایی که در آنها به شرح آثار ارسطو میپرداخت، بشدت مرهون استادش پروکلوس بود؛ اگرچه در برخی آراء مهم با پروکلوس موافق نبود. آمونیوس در ابتدای شرحش بر کتاب درباره عبارت ارسطو میزان تأثر خود را از پروکلوس اینگونه بیان میکند:

اکنون ما شروخی را از معلم مقدسمان، پروکلوس، جانشین منصب افلاطون ثبت میکنیم؛ مردی که حدود ظرفیت بشری را هم در توانایی تفسیر آراء قدما و هم در داوری علمی در باب ذات واقعیت به نهایت رساند. پس از آن اگر ما هم بتوانیم چیزی را برای توضیح کتاب اضافه کنیم، مدیون لطف بزرگ خدای شیوایی و فصاحت^(۴۶) هستیم.^(۴۷)

خود پروکلوس هم بسیار تحت تأثیر یامبلیخوس^۵ بود^(۴۸) و در واقع آمونیوس با واسطه از فلسفه یامبلیخی متأثر بوده است. مهمترین منبعی که آمونیوس برای تکمیل درسگفتارهای پروکلوس استفاده میکرد، شرح مفصل فورفورئوس بود که در حال حاضر گم شده است. بوئتیوس هم در شرح خود بر کتاب درباره عبارت از آن استفاده کرده است. نقل قولهایی که آمونیوس از نویسندگان قدیمی چون اسکندر افرودیسی^۶، اسپاسیوس^۷، هرمینوس^۸ و رواقیان^۹ ارائه میدهد، بیانگر این است که از آنها نیز تأثیر پذیرفته است.

1. Ηλίας (Elias)
2. Δαβίδ (David)
3. Ps. Elias
4. Στέφανος (Stephanus)
5. Ιάμβλιχος (Iamblichus)
6. Αλέξανδρος ὁ Ἀφροδισηεύς (Alexander of Aphrodisias)
7. Ἀσπασίος (Aspasius)
8. Ἑρμῖνος (Herminus)
9. Stoic philosophers

در مدرسه آمونیوس ترتیب مطالعه علوم ابتدا از منطق شروع میشد، بعد اخلاق، فیزیک، ریاضیات و الهیات خوانده میشد.^(۴۹)

کلاس درس یا سخنرانی آمونیوس دربارهٔ متنی از ارسطو ابتدا با تفسیر بسیار جزئی عبارات همراه بود و سپس اهمیت فلسفی آن متن و چگونگی ارتباطش با متون دیگر بررسی میشد. در این جلسات تلاش بر این بود تا نشان داده شود که آراء ارسطو و افلاطون اولاً، سازگاری درونی دارند و هیچیک از این دو متناقض سخن نگفته‌اند و ثانیاً، آراء آنها از سازگاری بیرونی و هماهنگی^۱ لازم برخوردار هستند و بر هم منطبقند.^(۵۰)

آمونیوس به تبعیت از پروکولوس در ابتدای کتاب شرحش بر مقولات ارسطو ده سؤال را مطرح میکند که پاسخ دادن به آنها از مقدمات لازم برای ورود به فلسفه ارسطوست. در این بخش او از ویژگیهای شارح و مفسر آثار ارسطو سخن میگوید. از نظر آمونیوس، شارح خوب باید بداند که چه چیزی را میخواهد شرح کند؛ او باید فرد باهوشی باشد تا بتواند فکر ارسطو را حاضر کند و حقیقت را بگونه‌یی که ارسطو میگوید بیازماید. او نباید خودش را بطور کامل فراموش کند و هرآنچه را که ارسطو میگوید بپذیرد و همه را حقیقت بیندارد، حتی اگر اینگونه نباشد. بلکه باید تمام دیدگاهها را با دقت بررسی نماید و اگر متوجه شد خلاف واقع است، حقیقت را بر ارسطو ترجیح دهد. با رعایت این نکات شارح میتواند شرحش را ارائه دهد.^(۵۱) الیمیپودوروس در شرحش بر گریاس از آمونیوس نقل میکند که شارح خوب باید همه آثار و آراء ارسطو را بداند تا بتواند بر اساس آثار ارسطو نشان دهد که او با خودش سازگاری دارد. او باید همه افلاطون را بداند تا نشان دهد افلاطون با خودش سازگاری دارد، علاوه بر این آثار ارسطو را باید مقدمه فهم آثار افلاطون قرار دهد.^(۵۲)

۹۹

شارحان بعدی اسکندریه تأکید میکردند که این وظیفه شارح است تا به دور از الفاظ و نظر به مفهوم سخنان ارسطو و افلاطون توافق و هماهنگی اساسی و پایه‌یی را در این دو فیلسوف کشف کند.^(۵۳) این مطلب اگرچه بطور مشخص نزد آمونیوس مطرح نمیشود، ولی پایبندی به آن در آثارش نمایان است.^(۵۴)

1. Συμφωνία (harmony)



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

سال هفتم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۸۹-۱۱۴

جایگاه فلسفی آمونیوس

به چهار دلیل، سخت است که جایگاه فلسفی و سهم و نقشی را که آمونیوس در آراء فلسفی داشته بخوبی تشخیص داد:

۱. تحقیقات ما تنها به شروح ارسطو محدود میشود و تفسیر ارسطو همانند تفسیر افلاطون نیست که برای ما موقعیتی را فراهم نماید تا از دل آنها عقاید نوافلاطونی مشخص گردند.

۲. آمونیوس در شروحش خیلی وابسته به پروکلووس است و حال آنکه درسگفتارها یا شروح پروکلووس بر ارسطو باقی نمانده است، بنابراین ما نمیتوانیم مطمئن شویم که در آثار آمونیوس، کدام رأی واقعاً متعلق به خود اوست.

۳. برخی از آثار آمونیوس گم شده‌اند و بدست ما نرسیده‌اند.

۴. برای اطلاع از آراء و ویژگیهای آمونیوس مجبوریم بسیار به نوشته‌های شاگردان او وابسته باشیم و تشخیص آراء شاگردان از آراء آمونیوس دشوار است. بهترین کار این است که دیدگاههای آمونیوس را از بین موارد زیر به هم متصل نماییم تا بتوانیم به یک نتیجه کلی برسیم:

(۱) شرحش بر کتاب درباره عبارت، (۲) گفته‌هایی که از سوی شارحان متأخر به او نسبت داده میشود. (۳) سخنرانیهایی از آمونیوس که توسط شاگردان او و با نام آمونیوس چاپ شده و یا با نام شاگردان او چاپ شده است؛ ولی این احتمال در آنها هست که تغییر چندانی نسبت به آراء استاد درشان نباشد؛ مانند متافیزیک اسکلیپوس و شروح اولیه فیلوپونس.^(۵۵)

الف) نوافلاطونی‌گری در آمونیوس

برخی مدعی هستند که مدرسه نوافلاطونی اسکندرانی آمونیوس و شاگردانش، ۱۰۰ چه قبل و چه بعد از آمونیوس اساساً متفاوت با مدرسه آتنی بود؛ بویژه با عدم اعتقاد به سحر و جادوی یامبلیخی یا سلسله مراتبها و گروههای سه‌تایی یامبلیخی و پروکلووسی در سطوح مختلف واقعیت که در متافیزیک نوافلاطونی رسمیت داشت.^(۵۶) اساتید مدرسه اسکندرانی مترجمان معتدل ارسطو بودند و نظریه‌ی داشتند که خیلی راحتتر قابل تلفیق با آیین مسیحیت قدرتمند اسکندرانی بود.^(۵۷)



البته برخی نیز معتقدند بین این دو مدرسه، فاصله و تفاوت دیدگاهی جدی وجود نداشته است.^(۵۸) بخصوص که فلاسفه بین دو حوزه دائم در رفت و آمد بودند؛ سیریانوس، رئیس مدرسه آتن در حدود ۲- ۴۳۱ تا ۴۳۷ از اسکندریه به آتن رفته بود. هر میاس درسهای سیریانوس را در آتن اخذ کرد و بعد به وطنش اسکندریه بازگشت. آمونیوس در آتن با پروکلوس درس خواند و بسیار تحت تأثیر پروکلوس بود. بعلاوه، ارجاعات و اشاره‌های زیادی در جای جای شروح آمونیوس و شاگردانش به بخشهای مختلف و مهم نظریه پروکلوسی وجود دارد.

به هر حال چه بپذیریم که بین این دو مدرسه تفاوت جدی وجود داشته یا خیر، این نکته بدون هیچ تردیدی پذیرفته شده است که محیطی که آمونیوس در آن تدریس و سخنرانی داشت، محیط تقریباً مسیحی شده‌ی بود و مسیحیان در کلاس درس او حضور داشتند و با او مناظره میکردند. از طرفی آمونیوس تا پایان عمرش بخوبی جایگاه فلسفی خود را در اسکندریه حفظ کرد. پس او خیلی نباید خود را درگیر جزئیات الهیات نوافلاطونی کرده باشد و دیدگاههای یامبلیخوس و پروکلوس را با جزئیات برای دانشجویان و مستمعین مطرح نموده باشد. بنظر میرسد کسی هم خواستار شنیدن این مطالب نبوده است. مستمعین فقط از آمونیوس انتظار داشتند تا دیدگاههای افلاطون و ارسطو را مطرح نماید.^(۵۹) این مطلب بوضوح در آثار مختلف وی مشهود است که ارسطویی که آمونیوس معرفی میکند نوافلاطونی شده است و آرائش در تضاد جدی با افلاطون نیست.

آمونیوس بیشتر آثار ارسطو، بخصوص آثار منطقی او را شرح کرده است؛ چرا که آنها را مقدمه‌ی برای ورود به فلسفه افلاطون میدانند. در چنین آثاری هیچ نیازی نبوده که وی سراغ جزئیات مجموعه متافیزیک و الهیات نوافلاطونی برود؛ حتی اگر به آنها اعتقاد داشته باشد. در برخی متنها حتی، ممکن است بحث درباره نظریه‌های مشخص متافیزیکی بیجا بوده باشد، بخصوص اگر کاری که روی آن بحث صورت میگیرد قرار است توسط دانشجویان سطح پایینتر مطالعه شود. البته این دلیل نمیشود که به آن اعتقاد نداشته باشد؛ چرا که در همین آثار شواهدی وجود دارد که نشان میدهد آمونیوس وفاداری خود را به الهیات نوافلاطونی، دست‌کم در حد بکار بردن

۱۰۱



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

سال هفتم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۸۹-۱۱۴

اصطلاحات خاص پروکلوس و سیریانوس و در برخی موارد استفاده از مفاهیم و جایگاه اکانیم و سلسله مراتبها، حفظ کرده است.^(۶۰)

از سوی دیگر، آمونیوس فلسفه طبیعی و متافیزیک ارسطو را هم ترجمه کرده و نمیتوان در این مورد تردید داشت که از نظر او کتاب *متافیزیک* ارسطو، حداقل، در همان سطح آثار خود افلاطون یا فقط ذره‌یی پایینتر از آن قرار گیرد. بنابراین عدم ارجاع به برخی نظریات خاص نوافلاطونی میتواند نشان دهد که آمونیوس خیلی وجهه عقلانی برای آنها قائل نبوده است تا بتواند از طریق آنها آراء متافیزیکی ارسطو را شرح دهد. بعلاوه، همانطور که در بالا تأکید شد، شاید این واقعیت مهم که آمونیوس با تفسیرهایش بر ارسطو شناخته میشود، سبب شکلگیری این فرضیه شود که او سهمی در تدریس نظام کاملاً منسجم متافیزیکی نوافلاطونی نداشته است. آمونیوس در ابتدای شرحش بر کتاب *مقولات* معتقد است که فلسفه ارسطو صعود بسمت اصل^۱ مشترک همه چیز و آگاهی از این موضوع است که این اصل بخودی خود، خیر، مجرد، بسیط، نامحدود، سرمدی و دارای توانایی نامحدود است.^(۶۱) بنظر او خیر محض، جوهر و موجود است و اجسام با بهره‌مندی از آن خیر میشوند.^(۶۲) وی در اینجا اگرچه ارسطو را در شکل نوافلاطونی شده میفهمد، ولی عدم پایداری خود به الهیات نوافلاطونی را هم نشان میدهد، زیرا خیر محض را جوهر و موجود میدانند.

آمونیوس میگوید این گفته ارسطو در کتاب *درباره عبارت*^(۶۳) که صوت بیان شده را خاصیت نفس میداند و آن را از چیزی که در جهان است متمایز میکند، به اکانیم نفس، عقل و خدا^(۶۴) در نوافلاطونی مرتبط است. همچنین آمونیوس «نامحدود» را بالای عقل در بالاترین سطح واقعیت قرار میدهد و گاهی بگونه‌یی مینویسد که جواهر الهی یا منادهای^۲ پروکلوس را یادآوری میکند.^(۶۵) بنابراین، میتوان گفت آمونیوس به الهیات نوافلاطونی پایبند بوده است، ولی به سیستمی به پیچیدگی سیستم پروکلوس اعتقاد نداشته است.^(۶۶)

1. ἀρχή(Arkhe)

2. Μονάς(Monad)

علاقه زیاد متفکرین اسکندرانی به حوزه علوم تجربی نیز میتواند از دلایلی باشد که در حوزه اسکندریه برخلاف آتن، مطالب متافیزیکی و ماوراءطبیعی خیلی طرفدار نداشته و آمونیوس هم اصراری بر بیان الهیات ماوراءطبیعی یا مبلخیوس و پروکلوس، با جزئیات، نداشته است. بنابراین، با توجه به آثار برجای مانده از آمونیوس که اکثراً از سوی شاگردان او و با ثبت شنیده‌هایشان از کلاس درس آمونیوس صورت گرفته، نمیتوان بطور قطع میزان پایبندی و یا عدم پایبندی آمونیوس به الهیات نوافلاطونی که مبتنی بر اقامیم سه‌گانه بوده و یا الهیات پیچیده پروکلوس که مبتنی بر وجود هنادها، منادها و دیادها بوده، تشخیص داد. برخی معتقدند وی با تمایلات کثرت‌گرایی و پایبندی به خدایان اسطوره‌یی یونان که توسط پروکلوس مطرح میشد کافر و ملحد بوده است و برخی نیز معتقدند وی با تعدیل دیدگاههای پروکلوس و جمع آن با مسیحیت به یک موحد خداپرست مبدل شده است.^(۶۷)

یکی دیگر از نقاط افتراق آمونیوس با جریان نوافلاطونی رایج، نفی ضرورت و اجبار در نظریه صدور است. از نظر آمونیوس هستی‌بخشی ذاتی خیر است و بساطت خدا خیر بودن ذاتش را ایجاب میکند، ولی این ضرورت همراه با آزادی است. از نظر او فقط خدا آزاد است، زیرا به چیزی غیر از خودش نیاز ندارد، در حالی که همه چیز به او نیاز دارند. آزادی خدا در هستی‌بخشی حقیقتی اسرارآمیز است که فقط از طریق عرفان میتوان به آن پی برد.^(۶۸)

ب) ارسطو و علت فاعلی بودن خدا

بنظر میرسد خدای عاقل ارسطو صلاحیت داشتن نقش صنعتگری و خالقیتی که در تیمائوس افلاطون برای او ترسیم شده است را ندارد. پروکلوس معتقد است مشائیان به چیزی قائلند که جدا از عالم جسمانی است، خالق^۱ نیست، ولی غایت^۲ است؛ آنها فقط نمونه‌ها و سرمشقها^۳ را حذف کرده‌اند و عقل واحد را بالای همه

1. Ποιητικόν (δημιουργός: Demiurge)
2. Τελικός (telikus: final)
3. Παραδείγματα (paradigmata)



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

چیز قرار داده‌اند. در حقیقت بنظر پروکلوس، اصول خود ارسطو بناچار او را وادار میکنند تا خدا را خالق بدانند.^(۶۹)

طبق نظر سیمپلیکیوس، تفاسیر مشائی که تفسیر اسکندر افرویدیسی را هم شامل میشود، قبول دارند که خدا علت غایی عالم است و با حرکت دادن آسمانها، با واسطه علت فاعلی حرکت موجودات زمینی میشود و خدا علت فاعلی حرکت آسمانهاست، ولی نه علت وجود آنها بعنوان جوهر. اما آمونیوس تلاش میکند تا با استفاده از گفته‌های ارسطو ثابت کند خدا هم علت غایی و هم علت فاعلی حرکت و حتی وجود همه عالم است؛ چه عالم مادون قمر و چه عالم مافوق قمر.^(۷۰)

این کار آمونیوس در جهت نزدیک شدن رأی او با اعتقادات مسیحی نیست، بلکه وی هدفش نزدیک کردن و ایجاد هماهنگی بین فلسفه ارسطو و افلاطون است. آمونیوس بجای نقد ارسطو - کاری که پروکلوس کرده است - تلاش میکند متون ارسطو را بگونه‌یی تفسیر کند که انتقادهای پروکلوس بی‌پایه گردد. جمع بین ارسطو و افلاطون در آثار وی بطور جدی پی‌گیری میشود. ارسطو نه تنها مقدمه فهم افلاطون است، بلکه دیدگاههای وی در تعارض با افلاطون و نوافلاطونیان هم نیست.

ج) آمونیوس در مقابل ضدضرورت‌گرایی ارسطو^۱

ارسطو در فصل نهم از کتاب درباره عبارت مبحثی را در باب تعیین صدق یا کذب گزاره‌های جزئی که ناظر به آینده هستند، مطرح میکند. از نظر او اگرچه میتوان ارزش صدق گزاره‌های جزئی که در گذشته و حال رخ داده‌اند را مشخص کرد، ولی نمیتوان ارزش صدق گزاره‌های جزئی را که قرار است در آینده روی دهند تشخیص داد. زیرا صدق و کذب ارتباط مستقیم با وجود یا عدم تحقق رویداد دارد و اگر قرار باشد گزاره شخصی مستقبل صادق یا کاذب باشد، باید در حال حاضر یا گذشته اتفاق بیفتد و در نتیجه گزاره استقبالی نخواهد بود. پس در مورد وقایع مستقبل، صدق و کذب معنا ندارد و این قضایا محتمل هستند. اگر علل تحققشان واقع شود، این قضایا صادق خواهند بود و اگر علل تحققشان واقع نشود،

۱۰۴

1. anti-determinism (anti αιτιοκρατία)

این قضایا کاذب میشوند؛ مانند: قضیه «فردا نبرد دریایی رخ خواهد داد».^(۷۱) با این بیان ارسطو ضرورت‌گرایی را بطور مطلق نمیپذیرد و در مورد قضایای مستقبل، احتمال و امکان استقبالی را مطرح میکند.

آمونئوس در تفسیرش بر این قسمت از کتاب درباره عبارت، با طرفداری از نظریه ضرورت‌گرایی، حتی در مورد قضایای مستقبل، دو استدلال را مطرح میکند: اولین استدلال، استدلال دروگر^۱ است.^(۷۲) استدلال دوم، علم الهی^۲ است.^(۷۳) او از استدلال نبرد دریایی هم بِنفع ضرورت‌گرایی استفاده میکند.^(۷۴) سابقه استدلال دروگر به دیودوروس کروئوس^۳ و پس از آن به زنو رواقی^۴ برمیگردد:

اگر شما قصد داشته باشید درو کنید، اینطور نیست که شاید^۵ درو خواهید کرد، شاید هم درو نخواهید کرد، بلکه تحت هر شرایطی^۶ درو خواهید کرد. اگر هم نخواهید درو کنید اینطور نیست که شاید درو خواهید کرد، شاید هم درو نخواهید کرد، بلکه تحت هر شرایطی درو نخواهید کرد. در واقع بنحو ضرورت یا درو خواهید کرد یا درو نخواهید کرد. پس «احتمال»^۷ از بین میرود... و با از بین رفتن احتمال، «امکان»^۸ هم از بین میرود.^(۷۵)

درباره استدلال دوم که مربوط به علم الهی است باید گفت از نظر آمونئوس خدایان یا بنحو مشخص و قطعی به اشیاء ممکن که بوجود آمده‌اند علم دارند یا اینکه مطلقاً هیچ علمی نسبت به آنها ندارند و یا اینکه علم نامشخصی به آنها دارند؛ مانند علم ما. آمونئوس نشان میدهد که خدایان باید علم مشخص و قطعی^۹ به

۱۰۵

1. reaper (θεριστής)
2. divine knowledge (θείος γνώση)
3. Διόδωρος Κρόνος (Diodorus Kronos)
4. Ζήνων ὁ Κτιεύς
5. Τάχα (takha)
6. Πάντος (pantus)
7. τάχα
8. contingent (ενδεχόμενος)
9. Οριστικός (oristikus)



مریم سالم؛ آمونئوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

سال هفتم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۸۹-۱۱۴

مخلوقاتشان داشته باشند.^(۷۶) بنابراین، آینده برای خدایان کاملاً مشخص است و هیچ امکان و احتمالی برای آنها وجود ندارد. از نظر آمونیوس، نوع علم به نوع عالم (مدرک) بستگی دارد نه به نوع مدرک و چون خدایان خارج از زمانند، برای آنها تفاوتی بین گذشته و آینده وجود ندارد^(۷۷)، پس حقایق ممکن خودشان نامشخص و غیرقطعی هستند و ضروری نیستند، اما نسبت به علم خدایان ضروری میشوند.

سومین استدلال آمونیوس در جهت دفاع از ضرورت‌گرایی و نفی احتمال، استدلال نبرد دریایی ارسطوست. ارسطو از مثال وقوع نبرد دریایی در آینده استفاده میکند تا نشان دهد در میان قضایا، قضایایی هستند که اگرچه جزئی و حتی شخصی هستند، ولی ضرورت صدق و کذب ندارند. این قضایا محتمل و ممکن الوجودند. البته این به آن معنا نیست که صدفه و اتفاق مورد پذیرش قرار گیرد؛ همه اشیائی که قرار است اتفاق بیفتند ضرورتاً اتفاق می‌افتند و هیچ چیزی از روی تصادف رخ نمیدهد. در واقع همه پدیده‌ها در صورت تحقق علل وقوعشان قطعاً ضروری‌الوجود میشوند و هر پدیده‌یی که رخ داده است ضرورتاً از علتی خاص پدید آمده است. وقتی پدیده محقق شد و مثلاً جنگ دریایی رخ داد، قضیه‌یی که در مورد وقوع آن ساخته میشود نیز ضرورتاً صادق است و قضیه‌یی که از عدم وقوع آن خبر میدهد، ضرورتاً کاذب است.^(۷۸) آمونیوس در این بیان ارسطو دفاع از ضرورت‌گرایی را میبیند، زیرا از نظر ارسطو هر قضیه‌یی به شرط تحقق محمول آن برای موضوعش در زمان حال یا گذشته، ضروری‌الصدق میشود و هیچ موجودی از روی احتمال و تصادفی ایجاد نمیگردد.^(۷۹)

از نظر آمونیوس حتی در مورد جمله‌های جزئی ناظر بر آینده هم میتوان از اصل دو بنیانی یا صادق و یا کاذب استفاده کرد، اما بصورت نامعین^۱ نه بصورت معین؛ یا فردا نبرد دریایی رخ میدهد یا نه و قطعاً هر دو با هم اتفاق نمی‌افتد، اما اگر هر یک از این دو رخ دهد، جمله‌یی که بیانگر آن است درست خواهد بود (و دیگری غلط) البته فقط بصورت نامعین، نه معین. پس امکان ندارد که بصورت مشخص، گفته شود که کدامیک از آنها درست یا غلط هستند، ازاینرو چیزی که هنوز رخ نداده است، میتواند رخ دهد یا رخ ندهد.^(۸۰)

1. Αόριστος (aoristus)

نظریه درست بودن بصورت معین یا نامعین، احتمالاً از اسکندر افرویدی گرفته شده است. البته بیان ارسطو در کتاب درباره عبارت^(۸۱) میتواند الهامبخش این موضوع بوده باشد: «جمله‌ها درست هستند بگونه‌یی که اشیاء هستند».

از نظر آمونیوس وقتی ارسطو این بحث را به حقایق محتمل آینده محدود میکند، لازمه‌اش این است که هیچیک از طرفین تناقضی که در مورد این حقایق گفته میشود بطور مشخص صادق نباشد و به این بستگی داشته باشد که «چه رخ دهد». از اینرو هرچه که محتمل باشد باید هم مستعد صدق باشد و هم کذب. در مورد حقایق مسلم و قطعی مثل داغ بودن آتش، همیشه اینگونه است و یکی از دو طرف منفصله که این حقیقت را بیان کند همیشه بصورت معین درست است. در مورد حقایق مشروط و محتمل، یکی از طرفین انفصال، فقط وقتی بصورت معین درست است که موضوع موجود باشد و حمل محمول بر آن صحیح باشد.^(۸۲)

تأثیر آمونیوس بر مکاتب فلسفی بعد از او

آمونیوس بعنوان مؤسس مکتب تفسیر ارسطو در اسکندریه دارای نفوذ و تأثیر فراوانی بود. تقریباً همه شارحان ارسطو بعد از او، یا شاگردان او و یا شاگردان شاگردان او بودند. وی که خود شاگرد پروکلوس در آتن بود، در اسکندریه بسیاری از نوافلاطونیهای اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی را تربیت نمود: فیلوپونس، آسکلیپوس، سیمپلیکیوس، آلمپیدوروس. داماسکیوس که بعداً رئیس مدرسه آتن شد، با اینکه در کلاس درس آمونیوس حضور داشت، بیشتر خودش را شاگرد ایزدوره میدانست تا آمونیوس. ایزدوره جانشین مارینوس و مارینوس جانشین پروکلوس در مدرسه آتن بود. در واقع میتوان گفت همه بزرگان نوافلاطونی قرن ششم میلادی با واسطه یا بیواسطه شاگرد او بودند.^(۸۳)

۱۰۷

آمونیوس طرحی را برای روش تفسیر ارسطو و افلاطون ارائه داد و سبک سخنرانی او احساسی را در دانش‌آموزان ایجاد کرد که در تاریخ باقی ماند و پیروان بسیاری یافت. شرح او بر کتاب درباره عبارت بطور خاص مهم بود و بعنوان منبعی برای استفانوس و سایر شارحان بکار گرفته شد. این کتاب از طریق ترجمه‌اش که



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

توسط ویلیام موئربکه‌یی^۱ صورت گرفت، بر آکوئیناس و بدین ترتیب بر فلسفه ارسطویی قرون وسطی و بعد از آن و علم معانی تأثیرگذار بود.^(۸۴)

نتیجه‌گیری

آمونئوس که از فلاسفه نوافلاطونی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی بود مکتبی را در اسکندریه بنا نهاد مبتنی بر شرح آثار ارسطو در کنار افلاطون و تلاش در هماهنگ‌سازی آراء فلسفی این دو بود. این مکتب تأثیر مستقیم بر فلاسفه قرون وسطی، چه در مسیحیت و چه در جهان اسلام گذاشت. اکثر شروح آمونئوس بر آثار ارسطو که توسط خود او یا شاگردانش به چاپ رسیده باقی است و تحقیق بر روی آنها می‌تواند افقهای خوبی را در باب هویت فلسفه اسلامی در اختیار پژوهشگران قرار دهد. آمونئوس نه فقط یک فیلسوف نوافلاطونی صرف و تابع محض پروکلوس بود و نه یک فیلسوف ارسطویی تام و صرفاً شارح ارسطو. او مکتب فکری خاص خود را داشت؛ اگرچه تشخیص آن به سادگی میسر نیست. زیرا آثار وی بصورت شرح بوده و از درسگفتارهای استادش پروکلوس و فورفورئوس بسیار استفاده کرده است و مشخص نیست کدام رأی از آن خود او و کدام از آن اساتید اوست. در هر صورت این را میدانیم که نظام سلسله مراتبی توأم با سحر و جادوی یامبلیخی پروکلوسی را قبول نداشته و علت غایی ارسطو را علت فاعلی داشته و از علم ازلی و نامتغیر خدا به موجودات متغیر سخن میگوید.

پی‌نوشتها:

۱. ابن ندیم: «قال اسحق بن حنین فی تاریخه: إنه من الفلاسفة الذین بعد جالینوس و قد فسر کتب ارسطالئیس و قد ذکر الموجود منها عند ذکر کتب ارسطالئیس و من کتبه بعد ذلک کتاب شرح مذاهب ارسطالئیس فی الصانع، کتاب فی اغراض ارسطالئیس فی کتبه، کتاب حجة ارسطالئیس فی التوحید» (ابن ندیم، الفهرست فی اخبار العلماء، مقاله هفتم، ص ۳۱۴).

۱۰۸ در الفهرست ابن ندیم نام آمونئوس فقط در بین شارحان کتاب قاطیغوریاس (مقولات) ذکر شده است (همان، مقاله هفتم، ص ۳۰۹).

در عیون الأنباء از سجستانی نقل شده است که یحیی النحوی در اسکندریه و مسیحی بوده است و نزد آمینئوس و آمینئوس هم نزد برقلس مطلب میخوانده‌اند. (ابن ابی اصیبعه، عیون الأنباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۵۲)

2. Wisnovsku, Robert, *Avicenna's Metaphysics in Context*, 3, 197.

1. William of Moerbeke



در این کتاب تأثیرات آمونیوس و مکتب وی بر مباحث علم النفس و برخی مباحث جهان‌شناسی ابن‌سینا بررسی شده است.

۳. آمونیوس در ابتدای کتاب شرح مقولات این مبحث را مطرح میکند.

(Ammonius, *On Aristotle's Categories*, p. 9.)

۴. احتمالاً از آخرین کاهنان مصر باستان یا از علمای دستور زبان یونانی که در مدرسه منوتیس (Menouthis) در نزدیکی اسکندریه بود و در زمان امپراتوری زنو (۴۷۴ - ۴۹۱ م.) بخاطر مخالفتش با مسیحیت شکنجه و سرانجام مسیحی شد.

5. Blank, David, "Ammonius", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, P.2.

Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 1-8, Intro*, P.1.

۶. احتمالاً در کتاب *مسائل و راه‌حلهای اصول اولیه* آمده است:

Difficulties and Solutions of First Principles (ἀπορίαί καὶ λύσεις περὶ τῶν πρώτων ἀρχῶν)

7. *Ibid.*, p. 3.

8. *Ibid.*

این سخن داماسکیوس مقدمه‌ی میشود تا در کنار ذکر خصلت ناپسند حرص و طمع در آمونیوس این نتیجه را بگیرد که آمونیوس برای امرار معاش و ادامه تدریس در مدرسه، تصمیم گرفت با سران مسیحی اسکندریه معامله‌ی انجام دهد؛ معامله‌ی که محتوای و ماحصل آن کاملاً نامعلوم است.

9. *Ibid.*, p. 3.

10. *Ibid.*, p. 1.

۱۱. زکریا در محلی اطراف غزه متولد شد و برای تحصیل همراه آئنیاز غزه‌ی (Aeneas of Gaza) که حدود ۵۱۸ م فوت کرده است به اسکندریه رفت و در کلاس درس آمونیوس شرکت نمود و با فلسفه نوافلاطونی آشنا شد. ظاهراً در این جلسات مناظره‌هایی بین زکریا و آمونیوس درمیگرفت که بخشی از آن توسط زکریا بعد از خروج از اسکندریه و عزیمت به مدرسه حقوق در بیروت، به نگارش درآمد. او بعد از اتمام تحصیلات در بیروت بعنوان وکیل به قسطنطنیه رفت و سرانجام اسقف شهر میتیلنه شد. ازاینرو او را Zacharias of Mytilene نیز مینامند.

Zacharias of Mytilene, *Ammonius, Aeneas of Gaza, Ancient Commentators on Aristotle*, p. 95.

۱۲. این کتاب صرفاً یک کتاب تاریخی نیست و مملو از ارجاعات متعددی است که به دیالوگهای افلاطون بخصوص *سوفسطایی* شده است و دیدگاههای مسیحی و نوافلاطونی اواخر قرن پنجم درباره برخی مباحث الهیاتی از جمله خلقت عالم و دوام فیض الهی در آن به تصویر کشیده شده است. زکریا در این کتاب بسیار متأثر از کتاب *توفراستوس* (Theophrastus) نوشته آئنیاز غزه‌ی است. در کتاب *توفراستوس* هیچ اشاره‌ی به آمونیوس نشده است.

Zacharias of Mytilene, *op.cit.*, p. 96.

۱۳. آئنیاز برخلاف زکریا در کتابش اهانتی به فیلسوفان نمیکند و با احترام از آنها یاد میکند.

Zacharias of Mytilene, *op.cit.*, p. 96.

۱۰۹

۱۴. مثل قتل رقت‌بار هیپاتیا (Υπατία) بدست انبوه مردم اسکندریه در ۴۱۵ م. و یا شکنجه و تعقیب

۱۵. Ἰλλός از افسران بیزانسی در دوره حکومت زنون که نقش مهمی در حکومت او داشت.

16. Hass, Christopher, *Alexandria in Late Antiquity*, p. 169.

۱۷. این کتاب (*The life of Isidore*) یا مستقل بوده و یا بخشی از کتاب *تاریخ فلسفی* (*Philosophical History*)

داماسکیوس بوده است. این کتاب توسط «P. Athanassiadi» در ۱۹۹۹ م. در آتن به چاپ رسید.

«Isidore» فیلسوف نوافلاطونی، جانشین مارینوس و رئیس مدرسه آتنی در حدود ۴۵۰ - ۵۲۰ م. بود.

18. Barnes, Jonathan, *International Journal of the Classical Tradition*, vol. 13, No. 30, p. 481.

19. Blank, David, "Ammonius", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, p.5.



مریم سالم؛ آمونیوس هرمیاس و تأثیر تاریخی اندیشه وی

سال هفتم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۸۹-۱۱۴

20. Barnes, Jonathan, *op.cit.*, p. 481.

ماهیت این توافق نامعلوم است؛ برخی معتقدند او توافق کرد تا شیوه منسوب به نوافلاطونی اسکندریه در یکی کردن همه خدایان و تحویل یک (One) به عقل (Intellect) را ادامه دهد یا اینکه فقط دربارهٔ به ارسطو حرف بزند و از افلاطون دوری کند و یا اینکه در تدریسش حرفی از نظریه ارسطو دربارهٔ قدم و الوهیت عالم چیزی نگوید یا اینکه محل اخفای همکاران و شاگردانش را به دشمن بگوید.

Sorabji, Richard, "The Ancient Commentators on Aristotle", in *Aristotle Transformed: The Ancient Commentators and their Influence*, p. 12.

21. Ammonius, *On Aristotle Categories*, 11, 9-17.

آمونئوس معتقد بود که نامها مخلوق انسانها هستند، ولی نامهایی که مخصوص اشیاء کلی و ازلیند از طرف کسی و تحت راهنماییهای کسی ایجاد شده‌اند که ذات آنها را می‌شناسد.

Ammonius, *On Aristotle's on Interpretation 1-8*, 35,16-21 & 37,3-7.

22. *Ibid.*, 38, 23-40, 5.

23. Blank, David, *op.cit.*, p. 7.

24. Sorabji, *The Introduction to Ammonius, On Aristotle Categories*, p. 2.

۲۵. در ارتباط با اولین ترجمه‌های صورت گرفته از این کتاب ر.ک:

Barnes, Jonathan, *op.cit.*, p. 481.

۲۶. مشابه این اثر به زبان عربی به فارابی منسوب است.

27. Sorabji, Richard, *The Preface of Ammonius, On Aristotle's on Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*.

28. Barnes, Jonathan, *op.cit.*, p. 481.

29. Ammonius, *On Aristotle's on Interpretation 1-8*, 1,6 – 11.

۳۰. آمونئوس از شرح گم‌شده فورفورئوس بیش از دوازده بار نام میبرد. بوئتیوس هم از این شرح استفاده کرده است.

Barnes, Jonathan, *op.cit.*, p. 481.

31. CAG IV5.

32. CAG IV3.

33. CAG IV4.

34. CAG IV6.

35. CAG IVI2.

36. CAG IVI2.

37. CAG XII25.

38. CAG XIII3.

39. CAG XIV2.

40. CAG XV.

41. CAG XIII1.

42. CAG XVII.

43. CAG XIV1.

44. Blank, David, *op.cit.*, p. 8.

۴۵. نگارش بعد از ۵۲۹ بعد از رفتنش به مدرسه آتن و از آنجا به شرق در پی بسته شدن مدرسه توسط ژوستینین (Justinian)

47. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 1-8*, 1,6 - 11.
48. Blank, Daivid, *op.cit.*, p.11.
49. Ammonius, *On Aristotle's Categories*, 5, 31 - 6, 8.
50. Blank, Jonathan, *op.cit.*, p.12.
51. Ammonius, *On Aristotle's Categories*, 8, 10 - 19.
52. Blank, *op.cit.*, p.12.
53. *Ibid.*
54. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 1-8*, 39, 11.
55. Blank, *op.cit.*, p.13.
56. Wallis, R.T., *Neoplatonism*, pp.100 - 101, 123 - 134, 146 - 154; Verrycken, Koenraad, "The Metaphysics of Ammonius Son of Hermeias", in *Aristotle Transformed: The Ancient Commentators and their Influence*, p. 200.
57. Blank, *op.cit.*, p. 14.
58. Verrycken, Koenraad, *op.cit.*, pp. 202 - 204.
59. *Ibid.*, p. 201.
60. *Ibid.*, pp. 212 - 216.
۶۱. اینجا یکی از مواردی است که در آن میتوان بوضوح ارسطوی منطبق شده با افلاطون، به سبک نوافلاطونی را دید. نزد فارابی غایت مد نظر فیلسوف، شناخت خالق تعالی، وحدت و ثبات او و علت فاعلی بودن او نسبت به همه موجودات و اینکه این عالم را با جود و حکمت و عدلش مرتب کرده، آمده است. کاری که فیلسوف میکند تشبه به خالق به اندازه توانایی انسان است (فارابی، ابونصر، مابینگی آن یقوم قبل تعلم الفلاسفه ارسطو، ذیل: مبادی الفلاسفه القدییه، ص ۱۳).
62. Ammonius, *On Aristotle's Categories*, 6, 9 - 16.
- آمونئوس در اینجا از قیاسی استفاده میکند که متناقض بنظر میرسد. او به سفید و سفیدی اشاره میکند؛ همانطور که سفید جسمی است که از کیفیت سفیدی برخوردار است و سفیدی خود بخود سفید است و سفید بواسطه سفیدی سفید است، خوب (خیر) هم چیزی است که از خوبی (خیر) بهره‌مند است و خوبی بخودی خود خوب است و جوهر و موجود است. علت اینکه سفیدی کیفیت است ولی خیر جوهر است نامشخص است.
- Ammonius, *On Aristotle's Categories*, 6,13-17.
63. Aristotle, *The Complete Works of Aristotle*, vol. 1-2, 16a 3 - 8.
64. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 1-8*, 24, 24 - 9.
65. Blank, *op.cit.*, p.16; Verrycken, *op.cit.*, p. 206.
66. *Ibid.*
- ۱۱۱ 67. Verrycken, *op.cit.*, pp. 205 - 209.
68. *Ibid.*, p. 201.
69. Blank, *op.cit.*, p. 16.
70. *Ibid.*, Verrycken, *op.cit.*, p. 217.
71. Aristotle, *op.cit.*, 18b 17 - 25, 19a 30 - 32.
72. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*, pp.131, 20 - 132, 7.
73. *Ibid.*, 132, 8ff.



74. *Ibid.*, 130, 23ff.
75. *Ibid.*, 131, 20 - 132, 32.
- سورابجی در مقدمه کتاب شرح درباره عبارت آمونیوس «احتمال» موجود در این استدلال را مبهم میداند و تلاش آمونیوس را در برطرف کردن این ابهام ناموفق میداند:
- Sorabji, *The Preface of Ammonius, On Aristotle's On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*, pp. 4-5.
76. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*, 132, 7 - 134, 7.
77. *Ibid.*, 133, 20.
78. Aristotle, *op.cit.*, 18 17 - 25, 19a 3a 3.
79. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*, 145, 9 - 155, 7.
80. *Ibid.*, 130, 23 ff.
81. Aristotle, *op.cit.*, 19a 33.
82. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*, 154, 11.
83. Sorabji, *op.cit.*, p. 1.
84. Blank, *op.cit.*, p. 22.

منابع فارسی:

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحق الندیم، الفهرست فی اخبار العلماء المصنفین من القدماء و المحسنین و أسماء ما صنّفوه من الكتب، تحقیق رضا تجدد، بی نا، ۱۳۵۰.
۲. ابن ابی اصیبعه، عیون الأنباء فی طبقات الاطباء، شرح و تحقیق نزار رضا، بیروت، منشورات دار مکتبة الحیة، بی تا.
۳. فارابی، ابونصر، مابینگی أن یقوم قبل تعلم الفلسفه ارسطو، ذیل: مبادئ الفلسفه القدیمة، قاهره، المکتبة السلفیة، ۱۹۱۰ م.

منابع انگلیسی:

1. Ammonius, *On Aristotle's On Interpretation 1-8*, trans. David L. Blank, London, Bloomsbury Academic, 1996.
2. _____, *On Aristotle's On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle's On Interpretation 9*, trans. David Blank & Norman Kretzmann, preface by Sorabji, Cornell University Press, 1998.
3. _____, *On Aristotle's Categories*, trans. S. Marc Cohen and Gareth B. Matthews, Intro. Richard Sorabji, Ithaca, New York, Cornell University Press, 1991.
4. Aristotle, *the Complete Works of Aristotle*, ed. Jonathan Barnes, vols.1-2, UK Princeton University Press, 1984.
5. Barnes, Jonathan, *International Journal of the Classical Tradition*, vol. 13, No.3, Winter, pp. 480-483, springer(<http://www.jstor.org/stable/30222165>), 2007.



6. Blank, Daivid, "Ammonius", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, fall, Edward N. Zalta, URL.(<http://plato.stanford.edu/fall/2014/entries/ammonius/>), 2014.
- _ *Commentaria in Aristotelem Graeca* (= CAG), H. Diels (ed.), Berlin, 1882–1909.
 - _ CAG IV 3, *Ammonius in Porphyrii Isagogen sive V Voces*, A. Busse (ed.), Berlin, 1891.
 - _ CAG IV 4, *Ammonius in Aristotelis Categoriae*, A. Busse (ed.), Berlin, 1895. *On Aristotle Categories*, S. M. Cohen and G. B. Matthews (trans.), London and Ithaca, 1992.
 - _ CAG IV 5, *Ammonius in Aristotelis De Interpretatione Commentarius*, A. Busse (ed.), Berlin, 1897, Latin translation: *Commentaire sur le Peri Hermeneias d'Aristote*, traduction de Guillaume de Moerbeke, G. Verbeke (ed.), Louvain and Paris, 1961. *On Aristotle's On Interpretation 1–8*, D. Blank (trans.), London and Ithaca 1996; *Ammonius. On Aristotle's On Interpretation 9: with Boethius. On Aristotle's On Interpretation 9*, D. Blank (trans.) (Ammonius) and N. Kretzmann (trans.) (Boethius). London and Ithaca, 1998; Blank's translation (slightly revised by G. Seel and J.-P. Schneider) is also found in Seel 2000. *Ammonius and the Seabattle: Texts, Commentary and Essays* (Peripatoi, Bd. 18), Berlin and New York, 2000.
 - _ CAG IV 6, *Ammonii in Aristotelis Analyticorum Priorum Librum I Commentarium*, M. Wallies (ed.), Berlin, 1899.
 - _ CAG VI 2, *Asclepii in Aristotelis Metaphysicorum Libros A-Z Commentaria*, M. Hayduck (ed.), Berlin, 1888.
 - _ CAG XIII 1, *Philoponi (Olim Ammonii) in Aristotelis Categoriae Commentarium*, A. Busse (ed.), Berlin, 1898. [For further details on the commentaries of Philoponus, see the entry on [Philoponus](#).]
 - _ CAG XIII 2, *Ioannis Philoponi in Aristotelis Analytica Priora Commentaria*, M. Wallies (ed.), Berlin, 1905.
 - _ CAG XIII 3, *Ioannis Philoponi in Aristotelis Analytica Posteriora Commentaria cum Anonymo in Librum II*, M. Wallies (ed.), Berlin, 1909.
 - _ CAG XIV 1, *Ioannis Philoponi in Aristotelis Meteorologicorum Librum Primum Commentaria*, M. Hayduck (ed.), Berlin, 1901.
 - _ CAG XIV 2, *Ioannis Philoponi in Aristotelis Libros De Generatione et Corruptione Commentaria*, H. Vitelli (ed.), Berlin, 1897. *On Aristotle On Coming-to-be and Perishing 1.1-5*, C. J. F. Williams (trans.), London and Ithaca, 1999; *On Aristotle On Coming-to-be and Perishing 1.6-2.4*, C. J. F. Williams (trans.), London and Ithaca, 1999.
 - _ CAG XV, *Ioannis Philoponi in Aristotelis De Anima Libros Commentaria*, M. Hayduck (ed.), Berlin, 1897. *On Aristotle On the Soul 2.1–6*, W. Charlton (trans.), London and Ithaca, 2005; *On Aristotle On the soul 2.7–12*, W. Charlton (trans.), London and Ithaca, 2005; *On Aristotle On the Soul 3.1–8*, W. Charlton (trans.), London and Ithaca, 2000; *On Aristotle On the Intellect (de Anima 3.4–8)*, W. Charlton (trans.), London and Ithaca, 1991.
 - _ CAG XVI-XVII, *Ioannis Philoponi in Aristotelis Physicorum Libros I-III et V-VIII Commentaria*, H. Vitelli (ed.), Berlin, 1887–8. *On Aristotle Physics 2*, A. R. Lacey (trans.), London and Ithaca, 1993; *On Aristotle Physics 3*, M. J. Edwards (trans.), London and Ithaca,



- 1994; *On Aristotle Physics 5–8 with Simplicius, On Aristotle on the Void*, P. Lettinck and J. O. Urmson (trans.), London and Ithaca, 1994.
7. Hadot, Pierre, “The harmony of Plotinus and Aristotle according to Porphyry”, from *Aristotle Transformed: The Ancient Commentators and their Influence*, ed. Richard Sorabji, cap. 6, pp. 125- 140, Ithaca, New York: Cornell University Press, 1990..
 8. Hass, Christopher, *Alexandria in Late Antiquity*, Topography and Social Conflict, Boltimore and London: The Johns Hopkins University Press, 1997.
 9. Tarán, L., *Asclepius of Tralles, Commentary to Nicomachus’ Introduction to Arithmetic*, *Transactions of the American Philosophical Society*, 59: 4. Philadelphia, 1969.
 10. Sorabji, Richard, “The Ancient Commentators on Aristotle”, in *Aristotle Transformed: The Ancient Commentators and their Influence*, ed. Richard Sorabji, cap.1, pp. 1-30, Ithaca, New York: Cornell University Press, 1990.
 11. _____, *The Preface of Ammonius, On Aristotle’s On Interpretation 9 with Boethius On Aristotle’s On Interpretation 9*, trans. David Blank & Norman Kretzmann, Cornell University Press, 1998.
 12. _____, *The Introduction to Ammonius, On Aristotle Categories*, trans. S. Marc Cohen and Garreth B. Matthews, Intro. Richard Sorabji, Ithaca, New York, Cornell University Press, 1991.
 13. Verrycken, Koenraad, “The Metaphysics of Ammonius son of Hermeias”, in *Aristotle Transformed: The Ancient Commentators and their Influence*, ed. Richard Sorabji, cap.10, pp. 199- 232, Ithaca, New York: Cornell University Press, 1990.
 14. Wallis, R.T., *Neoplatonism*, London: Duckworth, 1972.
 15. Wisnovsku, Robert, *Avicenna’s Metaphysics in Context*, Ithaca, New York, Cornell University Press, 2003.
 16. Zacharias of Mytilene, *Ammonius, Aeneas of Gaza, Ancient Commentators on Aristotle*, trans. John Dillon, Donald Russell and Sebastian Gertz. Lindon, Bloomsbury Academic. 93-176, 2012.